

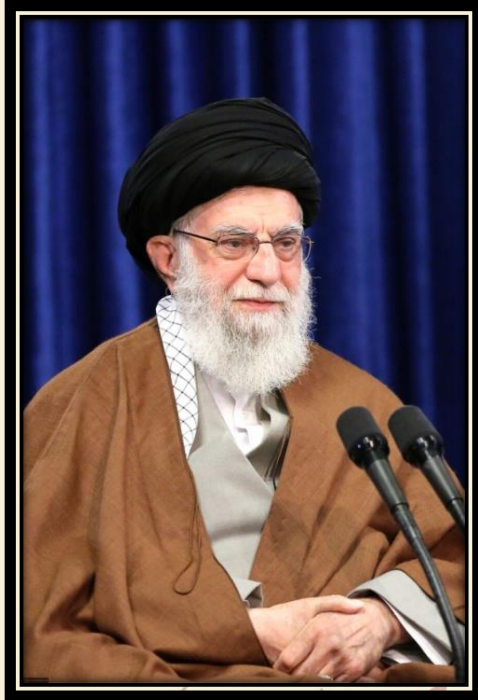
سفر النجاة
الهدى وفتح
ان الحسين
مصر

ویژه نامه اربعین حسینی

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ملایر

مهر ۱۳۹۹





اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید می گذرد، چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این چیز بسیار مهمی است.

شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد یعنی حسین بن علی و بقیه شهیدان در کربلا شهید می شدند، اما بنی امیه موفق می شدند همانطور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند.

بینید در این صورت آیا این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز یک اثری می گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ هم، برای نسلهای بعد هم، برای گرفتاریها و سیاهی ها و تاریکی ها و یزیدیهای دوران آینده تاریخ هم اثری روشنگر و افشا کننده داشت؟

اگر حسین شهید می شد، اما مردم آن روز و مردم نسلهای بعد نمی فهمیدند که حسین شهید شده، آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزاندگی ملتها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟

می بینید که هیچ اثری نداشت، بله حسین که شهید می شد، خود او به اعلی علیین

رضوان خدا می رسید، شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد، اما آیا چقدر درس شدند، چقدر اسوه شدند، درس، آن شهیدی می شود که شهادت او و مظلومیت او را نسلهای معاصر و آینده او بدانند و بشنوند، درس و اسوه آن شهیدی می شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر بشود، مظلومیت یک ملت آن وقتی می تواند زخم پیکر ستم کشیده شلاق خورده ملتها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسانهای دیگر برسد، برای همین است که امروز ابرقدرتها صدا توی صدا انداختند که صدای ما بلند نشود، برای همین است که حاضرند پولهای گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد که جنگ تحمیلی چرا به وجود آمد، با چه انگیزه ای، با دست که،

با تحریک که . آن روز هم دستگامهای استکباری ، حاضر بودند هر چه دارند خرج کنند به قیمت این که نام و یاد حسین و خون حسین و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملت‌های بعد باقی نماند و شناخته نشود . البته در اوائل کار درست نمی فهمیدند که چقدر مطلب با عظمت است . هر چه بیشتر گذشت ، بیشتر فهمیدند .

در اواسط دوران بنی عباس حتی قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کردند ، آب انداختند ، خواستند از او هیچ اثری باقی نماند . نقش یاد و خاطره شهیدان و شهادت این است ، شهادت بدون خاطره ، بدون یاد ، بدون جوشش خون شهید ، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهادت . حالا چه در اربعین اول ، خانواده امام حسین علیه السلام به کربلا آمده باشند و چه نیامده باشند . اما اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی به کربلا آمدند ؛ جابر بن عبدالله انصاری است و عطیه از اصحاب پیغمبر ، از یاران امیر المومنین و آمدند آن جا و جابر بن عبدالله حتی نابینا بود - آن طور که در نوشته ها و اخبار هست - و دستش را عطیه گرفت و برد روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه السلام حرف زد و با آمدن خود و با سخن گفتن خود خاطره حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبر

شهداء را پایه گذاری کرد . یک چنین روز مهمی است روز اربعین .

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس یک بیت شعر درباره ی حادثه ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد

حرکت امام حسین(ع) برای اقامه ی حق و عدل بود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر» (... بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می خوانیم: «و من حال نصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة». آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر(ص) نقل کرده اند، بیان می فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال : من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲). تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می کند که غرض، اقامه ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه ی راه پیامبر اکرم(ص) و دیگر پیامبران بوده است که: «یا

وارث ادم صفوة الله يا وارث نوح نبی الله...» (مفاتیح الجنان، زیارت وارث) و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط». اقامه ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر(ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی(علیه السلام) - در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی ای که خدای متعال برای این کار - مثل همه ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجاء، می توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم .

رمز زنده ماندن واقعه ی عاشورا

اگر زینب کبری(سلام الله علیها) و امام سجّاد (صلوات الله علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام وبعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت

به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند .

چرا امام صادق(علیه الصّلاة والسلام) - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره ی حادثه ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟(۱) چون تمام دستگاههای تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله ی عاشورا و کلاً مسأله ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت آمیز می کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می رفت .

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی(علیه السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی(علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها السلام) و

مجاهدت امام سجّاد(علیه السّلام) و بقیه ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما می دهد

درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه ها و مجله ها و کتابهایی که منتشر می کردند، در ذهن آدم های ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.

حتی افراد معدودی از آدم های ساده دل و جاهل و نیز انسانهای موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرفهایی می زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی آشفست و وادار می کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند.

اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته ها و بافته ها و یاوه گویی های تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی(ع) را محکوم می ساخت و وانمود می کرد که حسین بن علی(ع) کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین بن علی(علیه السّلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق، این گونه است.

زیارت اربعین در روایات

امام حسین (ع)، عظیم‌العظمای عالم

نوشته‌ای را درباره حضرت سیدالشهدا از فیلسوف، حکیم و عارف بزرگی خواندم که در این نوشته از آن حضرت به «عظیم‌العظمای» تعبیر کرده بود؛ بدین معنا که وجود مبارک حضرت سیدالشهدا در شأنیت و هویت خودش از هرچه انسان و شخصیت بزرگ در این عالم است، بزرگ‌تر و والاتر هست. از زیارت وارث نیز همین معنا استفاده می‌شود و می‌توان تمام ارزش‌های حضرت آدم (ع) و انبیای اولوالعزم را در وجود مبارک امام حسین (ع) مشاهده کرد. همانا ایشان بنده‌ای خاص در درگاه الهی است که نه تنها جایگاه ویژه‌ای در این عالم دارد، بلکه در عالم بعد نیز از جایگاه ارزشمندی برخوردار است.

گریه انبیای الهی بر مصائب کربلا

در روایات رسیده از اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده که جبرئیل امین از همان زمان حضرت آدم (ع) از سوی پروردگار مأموریت یافت که حضرت سیدالشهدا را به حضرت آدم (ع) و همه انبیای الهی بشناساند و حادثه کربلا را به صورت مختصر برای آنها بازگو نماید. امین وحی نیز تمام پیامبران را از این واقعه آگاه نمود و همه آنها بر مصائب این امام مظلوم گریستند.

گریه ارض و سما بر امام حسین (ع)

البته تنها پیامبران الهی بر مصائب جانسوز کربلا نگریستند، بلکه اهل بیت (علیهم‌السلام) هم در زمان ولادت امام حسین (ع) اشک ریختند و اندوهگین بودند. گریه بر آن حضرت هیچ‌گاه و



در گذر زمان رنگ نباخته و کمرنگ نشده است و همواره دل‌های عاشق و مؤمن در رثای او گریه کرده و به سوگ نشسته‌اند. وقایع کربلا و شهادت این امام و یاران ایشان به قدری سخت، غم‌انگیز و جان‌گداز بوده و هست که به فرموده امام زین‌العابدین، تمام موجودات ارضی و سماوی بعد از حادثه عاشورا برای آن حضرت گریستند؛ از همین امر نیز واضح و مبهرن است که گریه بر ایشان و حوادث جانسوز کربلا موضوعیت و قطعیت دارد و لذا از فرمایشات حضرت امام رضا و بعضی از ائمه (علیهم‌السلام) می‌توان دریافت که گریه بر حضرت واجب است و نه مستحب. روایات بسیار مهمی در این باره بیان شده که معتبرترین کتاب‌های ما - شیعه و غیرشیعه - نقل کرده‌اند.

سفارش ائمه (علیهم‌السلام) به زیارت کربلا

آنچه که پس از گریه بر مصائب آن حضرت حائز اهمیت است و اولویت دارد، زیارت حضرت حسین (ع) است. امامان معصوم (علیهم‌السلام) نسبت به زیارت امام حسین (ع) و یاران ایشان دستور اکید داده‌اند و سفارشات را به مؤمنان و عاشقان مکتب اهل بیت داشته‌اند. در این سفارشات آمده است: آنان که توان زیارت حضرت را دارند، فرقی نمی‌کند که در کدام نقطه از این کره خاکی زندگی می‌کنند، حتی اگر یکبار

زیارت اربعین در روایات

در طول عمرشان باشد، به زیارت این امام شهید بروند؛ و چنانچه برای آنها میسر است، در سال به دفعات بروند و ایشان را زیارت کنند.

اما آن زیارتی که پیغمبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) به آن مکرراً و مؤکداً سفارش کرده‌اند، زیارت امام حسین (ع) در چهلمین روز شهادت آن حضرت و یاران باوفای ایشان است. زیارتی که سال‌هاست مردم با شور و حرارت بسیار در اربعین انجام می‌دهند. به‌راستی که این شور و حال زیارت در این روز و جمعیت گسترده مردم به خواست و هدایت پروردگار متعال صورت گرفته و چنین گردهمایی در تاریخ بشر و بر روی کره زمین بی‌سابقه است. اجتماعی خاص و منحصر به فرد با هدفی معنوی و الهی که نظیری را برای آن در هیچ نقطه‌ای از دنیا نمی‌توان یافت.

همچنین در این روایات به ثواب عظیم زیارت قبر امام حسین (ع) و یاران آن حضرت به تناسب مکلفین اشاره شده است. در برخی روایات چنین ذکر شده است: ثواب هر قدمی که زائر امام حسین (ع) از منزل خود تا حرم ابی‌عبدالله برمی‌دارد، حال هر مقدار فاصله که بین منزل و حرم باشد، با ثواب یک حج و عمره قبول شده برابری می‌کند؛ البته در برخی روایات نیز نود حج و عمره قبول شده و یا هزار حج و عمره قبول شده آمده و این اختلاف روایات به تفاوت معرفت و ظرفیت زائر بستگی دارد. گاهی زائر حرم آن حضرت از امامان معصوم (علیهم السلام) است و گاهی مؤمنی با درجه والای معرفتی و گاهی نیز مؤمنی با درجه پایین‌تر ایمانی؛ لیکن نکته مهم و درخور توجه، سفارش و تأکید نسبت به سفر به کربلا و زیارت قبر ایشان است، نه اینکه امام را در منزل خود و با خواندن زیارت‌نامه آن حضرت زیارت کنیم. درحقیقت، مقصود ائمه زیارتی است که موجب زنده نگه داشته‌شدن این حادثه جانسوز و دلخراش در ظرف جهان باشد.

این جمعیت میلیونی هر ساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان‌نوازان هستند و چه زیبا از زائران امام حسین (ع) پذیرایی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اینان در طول سال، مقداری از پولشان را برای زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه ابی‌عبدالله پذیرایی می‌کنند.

این سفارشی نیست که تنها به زمینیان شده باشد و انسان‌ها به آن فرمان یافته باشند، بلکه در کتاب «کامل‌الزیارات» آمده است که هر شب هفتاد هزار فرشته به امر خداوند متعال، در اول غروب به زیارت حرم حضرت می‌آیند و در اول فجر به عرش بازمی‌گردند. تعداد فرشتگان عرش الهی به قدری زیاد است که تا روز قیامت، فقط یکبار توفیق زیارت حرم ابی‌عبدالله نصیب آنان می‌گردد.

زوار اربعین حسینی، مبلغان دین الهی

حقیقتاً افرادی که به این شکل به پیاده‌روی اربعین می‌روند و آنان که به این گروه‌ها خدمت می‌کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی‌عبدالله

تبلیغ می‌نماید. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به‌جایی رسیده که چندسالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان، و حتی گروهی از اهل‌تسنن نیز بدان جذب شده‌اند و هرساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می‌رسانند. یقیناً اینان از ثواب زیارت امام حسین(ع) بی‌بهره نخواهند بود و چه‌بسا همین آمدن‌ها موجب آشنایی با دین حقیقی خدا باشد و امید است که روزی در پرتو حضورشان در اربعین حسینی در زمرة پیروان مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قرار گیرند.

قتلگاه امام حسین(ع)، محل معراج ملکوتیان

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»

منزه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمد(ص)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد تا [بخشی] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست» (سوره اسراء، آیه ۱).

طبق این آیه و نیز سوره مبارکه نجم، همانا معراج عوالم بالا برای انسان کامل و خلیفه‌الله الاعظم رخ داده که در بین زمینیان می‌زیسته

است؛ اما روایتی از امام صادق(ع) در «کامل‌الزیارات» نقل شده که این کتاب از معتبرترین کتب در ۱۲۰۰ سال گذشته است، ایشان در این روایت فرموده‌اند: همانا حسین ما قتلگاه خود را به معراجی برای ملکوتیان مبدل کرد. تنها یک نفر از اهل زمین به معراج رفت که رسول گرامی اسلام(ص) بود، ولی هزاران هزار فرشته و ملک مقرب الهی از عالم ملکوت برای معراج به زیارت حرم ابی‌عبدالله می‌آیند.

پس شما ای زائران اربعین حضرت امام حسین(ع) بدانید که چه کار عظیمی توسط شما انجام می‌شود و این را نیز بدانید که با دست‌به‌دست هم دادن و ساختن جمعیتی چندمیلیونی از زائران اربعین، چه آثار پربرکتی را از خود به‌جا می‌گذارید. بی‌گمان، این آغاز راه است و جهان در آینده تحت تأثیر منش و رسالت سیدالشهدا(ع) و زائران آن حضرت قرار خواهد گرفت و به‌زودی چراغ دروغین ادیان و مکتب‌های غیرخدایی به‌وسیله طوفان ایمان به ابی‌عبدالله به خاموشی خواهد گرایید و چه‌بسا در همین اربعین، جهان آماده ظهور امام عصر(عج)، برپایی عدل جهانی و پذیرش مکتب حسینی گردد. انشاءالله.

باش تا صبح دولتش بدمد
کین هنوز از نتایج سحر است
حسین انصاریان
اربعین ۱۴۳۹ق



غمنامه اربعین

اربعین آمد دلم را غم گرفت
 بهر زینب (س) عالمی ماتم گرفت
 سوز اهل آسمان آید به گوش
 ناله ی صاحب زمان آید به گوش
 جان اهل بیت عصمت بر لب است
 کاروان سالار آنها زینب است
 جمله مستان سوی ساقی آمدند
 مست مست از جام باقی آمدند
 سینه ها آماج رگبار بلا
 جای زخم ریسمان بر دستها
 هوش از سر رفته و دل باخته
 جسم خود را بر زمین انداخته
 هر یکی در جستجوی تربتی
 بر لب هر یک کلامی، صحبتی
 قلبها پر شکوه از بیداد بود
 آشنای قبرها سجاده (ع) بود
 رهبر زینب (س) امام راستین
 حجت حق بود زین العابدین (ع)
 با کلامش عمه را مغموم کرد
 تا که قبر یار را معلوم کرد
 آمده همراه دخت بوتراب
 بر سر آن قبر کلثوم و رباب
 زخمهای این سفر سر باز کرد
 هر کسی درد دلی آغاز کرد
 زینب از مژگان خود یاقوت ساخت
 داستان این سفر را باز گفت
 گفت ای سالار زینب السلام
 ماه شام تار زینب السلام

بر تو پیغام سفر آورد ام
 از فتوحاتم ، خبر آورده ام
 کرد با من این مسیر عشق طی
 راس تو منزل به منزل روی نی
 معجرم نیلی شد و مویم سپید
 از غم دوری تو قدم خمید
 گر که دست رحمت و صبرت نبود
 زینبت در راه کوفه مرده بود
 ظلم دشمن تا که بی اندازه شد
 ماجراهای سقیفه تازه شد
 ریسمان بر گردن سجاد بود
 غربت بابا مرا در یاد بود
 دیدی از نی دست خواهر بسته بود؟
 گویا دستان حیدر بسته بود
 یاسها را جوهر نیلی زدند
 مادرم را گویا سیلی زدند
 از شماتت کردن دشمن می پرس
 از سه ساله دخترت از من می پرس
 شد سرت یک نیمه شب مهمان او
 با وصالت بر لب آمد جان او
 مرد در ویرانه و من زنده ام
 بی رقیه (س) آدمم شرمنده ام
 بارها از دوریت جان باختم
 بین مقتل من تو را در یافتم
 گر تو ای لب تشنه برداری سرت
 حال شناسی دگر این خواهرت....

الشَّمْسُ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالْكَسُوفِ وَ
الْحَمْرَةَ... وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً
عَلَى الْحُسَيْنِ (ع)؛

ای زرارہ، آسمان چهل روز بر حسین (ع) خون
گریه کرد و زمین چهل روز برای عزای آن
حضرت گریست به تیره و تار شدن و خورشید
با کسوف و سرخی خود چهل روز گریست... و
ملائکہ الہی برای آن حضرت چهل روز
گریستند». [۴]

اشاره اربعین

واژه اربعین از اصطلاحاتی است که در متون
دینی، حدیثی و تاریخی کاربرد زیادی دارد.
آثار چهل روز اخلاص، حفظ چهل حدیث،
دعای چهل نفر، قرائت دعای عهد در چهل
صبح، گریه چهل روز زمین، آسمان و
فرشتگان بر امام حسین، استحباب زیارت
اربعین و... از جمله مواردی است که جایگاه
این عدد را در معارف اسلامی بیان می
دارد. [۵]

مهم ترین دلیل بزرگداشت اربعین سید
الشہداء، روایت مرسله ای از امام حسن
عسکری (ع) است که نشانه های مؤمن را پنج
چیز دانسته و یکی از آنها را زیارت اربعین
عنوان نموده اند. [۶] افزون بر این، امام
صادق (ع) زیارت اربعین را به صفوان بن
مهران جمال تعلیم داده است که در آن به
بزرگداشت اربعین تصریح شده است. [۷]
حضرت امام صادق (ع) در ابتدای زیارت
اربعین با پنج سلام، ارادت خود را به آستان

قال ابو محمد الحسن العسکری (ع): «عَلَامَاتُ
الْمُؤْمِنِ خُمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَ زِيَارَةُ
الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ
وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
امام حسن عسکری (ع) فرمود: نشانه های
مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز (نماز
یومیہ و نمازهای نافلہ)، زیارت اربعین، انگشت
به دست راست کردن، جبین را در سجده بر
خاک گذاردن، بسم الله الرحمن الرحيم را در
نماز بلند گفتن». [۱]

قال ابو جعفر (ع): «زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ
زِيَارَةُ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيٍّ (ع) تَعْدُلُ حَجَّةً مَبْرُورَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛

امام باقر (ع) فرمودند: زیارت قبر رسول خدا
و زیارت مزار شهیدان و زیارت مرقد امام
حسین (ع) معادل است با حج مقبولی که
همراه رسول خدا (ص) به جا آورده شود». [۲]
عن النبی (ص) قال: ... «وَهِيَ أَطْهَرُ بُقَاعِ
الْأَرْضِ وَ أَعْظَمُهَا حُرْمَةً وَ إِنَّهَا لِمَنْ بَطَحَاءِ
الْجَنَّةِ؛

پیامبر (ص) می فرمایند: کربلا پاک ترین بقعه
روی زمین و از نظر احترام بزرگ ترین بقعه
ها است و الحق که کربلا از بساط های
بهشت است». [۳]

امام صادق (ع): «يَا زُرَّارَةَ! إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالْدَمِ وَ إِنَّ
الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالسَّوَاءِ وَ إِنَّ

بدنامی چیزی ندیده بودند و بزم و شادی شان آلوده به شرم و ندامت شده بود. چهل روز بود که درخت اسلام ریشه در خون شهدا، استوارتر و راسخ تر از همیشه، به سوی فلک قد می کشید.

اربعین است، هنگام میثاق و پیمان دوباره؛ کاروان به مقصد می رسد. ...

اباعبدالله ابراز می دارد و زائر، با عرض این سلام ها خود را به پیشگاه آن حضرت نزدیک می کند و با تکرار آنها روح و روان خود را از زشتی ها و پلیدی ها پاک می نماید. حضرت امام صادق(ع) در بخشی از زیارت اربعین می فرماید: «خدایا! امام حسین(ع) جانش را در راه تو بخشید تا بندگان را از نادانی، سرگردانی و گمراهی نجات دهد».[۸]

چهل روز گذشت

چهل روز گذشت... در آن غروب خون آلود، هنگامی که خنجر شقاوت ها و نامردی ها، گلوی آخرین مبارز را درید، آن گاه که زنان و فرزندان داغدیده در میان رقص شعله های آتش خیمه هایشان، به سوگ مردان در خون غلتیده خود نشسته بودند، دشمن به جشن و سرور ایستاد، خیابان ها و کاخ ها را برای جشن ها مهیا ساخت و به انتظار ماند تا در میان دل های چون لاله پر خون اسرا به برپایی جشنی تمسخرآمیز پردازد. اما زینب، این ستون پابرجای کاروان اسرا همه چیز را به گونه ای دیگر رقم زد. به راستی چه کسی می داند چگونه زینب با وجود سنگینی کوهی از مصائب بر شانه هایش، بغض غم ها را فرو داد و قدم بر قله رفیع عزت و آزادگی گذاشت. با سخنان زینب، کربلا به بلوغ رسید و خون شهدا جوشید و جوشید تا آن جویبار خونی که در غریبانه ترین حالت ممکن بر زمین جاری شده بود، در اربعین حسینی، رودی خروشان شد. چهل روز بود که یزیدیان جز رسوایی و

منبع: اشارات - بهمن ۱۳۸۷، شماره ۱۱۷ - اربعین حسینی

پی نوشت:

۱. [وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.
۲. [مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۶.
۳. [بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۵.
۴. [مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۴.
۵. [عبدالکریم پاک نیا، اربعین در فرهنگ اهل بیت(ع)، نشریه مبلغان، ش ۲۱، ص ۳۳.
۶. [نک: شیخ مفید، المزار، ص ۵۳.
۷. [شیخ طوسی، مصباح المجتهد، صص ۷۸۸ و ۷۸۹.
۸. [شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.



تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی

گرامی داشت اربعین سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) در میان شیعیان آن حضرت از اهمیت و ارزش ویژه ای برخوردار است. از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران و مورخان شیعه و اهل سنت، مبنای تاریخی چنین بزرگداشتی، ورود اهل بیت به کربلا در اولین اربعین حسینی (سال ۶۱ هجری) و دفن سرهای مطهر شهیدان بویژه سر مقدس امام حسین (ع) در کنار پیکرهای مطهر آنهاست. جمعی اندک از مورخان و صاحب نظران نیز بر این عقیده اند که نظریه یاد شده از اعتبار تاریخی لازم برخوردار نیست، بلکه مبنای بزرگداشت این روز ورود جابر و عطیه به کربلاست.

مقاله حاضر در یک بررسی و تحلیل تاریخی، در مقام اثبات نظریه نخست است. مراسم اربعین مشتمل بر چهار برنامه است که هر یک از نظر تایید و مقبولیت تاریخی و مذهبی در مراحل مختلفی قرار دارند. این مراسم عبارتند از:

۱- زیارت مخصوصه: در استحباب و سنت زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین (بیستم صفر) - از دور یا نزدیک - اختلاف نظر وجود ندارد، چنان که در زیارت ایام متبرکه نیمه شعبان و شبهای قدر اختلافی مشاهده نمی شود.

۲- ورود جابر و زیارت وی در بیستم صفر: این مساله مورد شک و استبعاد مرحوم سید

بن طاووس قرار گرفته است. ۳- دفن سرهای مطهر و الحاق آنها به بدنهای اطهر در روز اربعین: که میان علما، فقها و مورخان شیعه شهرت دارد. ۴- ورود اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا.

در باره این مساله دیدگاههای مختلف و متضادی اظهار شده و مورد تشکیک و استبعاد جدی قرار گرفته است. این موضوع از دو جهت محل بحث است: اصل ورود به کربلا؛ تاریخ ورود.

اما در مورد اصل ورود اهل بیت (ع) به کربلا باید گفت که گروه بسیاری از علمای برجسته و مشاهیر متقدم و متاخر و مورخان شیعه و سنی آن را تایید کرده اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. در برابر، جمعی از متاخران و برخی از متقدمان این جریان را بعید بلکه ممتنع و محال عادی دانسته اند (۱) و به تعبیر بعضی نیز کذب محض و افسانه است. (۲)

استدلال این گروه در استبعاد و استحاله و تکذیب این موضوع، دو امر است: **اول**: سکوت و عدم تعرض مورخان و کتب تاریخ، با این که موضوع مهم و قابل ذکر و شایسته تعرض بود در نتیجه از نگاه این گروه «عدم الدلیل، دلیل العدم»؛ یعنی چگونه می توان باور داشت این جریان تا قرن هفتم پنهان مانده باشد و تنها به وسیله سید بن طاووس ابراز و اعلان شود.

دوم: مساله فاصله میان شام و عراق یا دمشق و کوفه است البته این در صورتی است که مدت رفتن از کوفه تا شام را بیست روز و مدت اقامت اهل بیت (ع) در دمشق را یک ماه (چنان که نقل شده) در نظر بگیریم، به علاوه مدتی که این زیاد برای کسب تکلیف از یزید نیاز داشت. خصوصا این که گوینده جریان اربعین - سید بن طاووس - در کتاب دیگر خود که بعدا تالیف نمود، (۳) این نظریه را رد کرده آن را بسیار بعید دانسته است و به تبعیت از استبعاد ایشان، مرحوم حاج میرزا حسین نوری نیز آن را بعید شمرد. (۴)

علامه شعرانی و شهید مطهری نیز با تعبیرهای مختلف همین نظریه را ابراز داشته اند. از آنجا که هدف این نوشتار بررسی علل استبعاد اربعین در کلام سید بن طاووس و اثبات جریان اربعین می باشد، لازم است به ذکر نام عده ای که جریان اربعین را تصریح یا تایید نموده اند پردازیم: قائلان به اربعین دو دسته اند، دسته ای صراحتا اظهار نموده اند که اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا آمده اند و دسته دیگر بر این باورند که سر مطهر امام (ع) و سایر شهدا در کربلا دفن گردیده و یا سرهای مطهر به وسیله امام سجاد (ع) به بدنهای مطهر الحاق شد. از آنجا که دفن سر مطهر در کربلا قطعا به دست مبارک امام سجاد (ع) انجام شد و ورود ایشان به همراه سرهای مطهر شهدا به کربلا نیز فقط در بیستم صفر بود و هیچ یک از مورخان شیعه و سنی قائل نشده اند که سرهای مطهر - مخصوصا سر مطهر امام حسین (ع) - به

وسیله کسی غیر از امام سجاد (ع) دفن شده و یا این که امام سجاد (ع) در غیر بیستم صفر سال ۶۱ برای دفن سرهای مقدس به کربلا آمده باشد، از این رو اعتراف و تصدیق به دفن سر مطهر امام حسین (ع) در کربلا توسط امام سجاد (ع) در روز بیستم صفر خود گواه و شاهدی است صادق و عالی بر آمدن اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا.

مبنای تاریخی اربعین در آثار بزرگان (الف) آثار مستقل

عده ای از محققان و بزرگان، کتاب مستقل در اثبات ورود اهل بیت (ع) به کربلا تالیف کرده اند. از جمله: ۱ - «فاجعه الاربعین» یا «حدیث الاربعین» تالیف عالم بزرگوار شیخ حسن بلاذی.

۲ - «تحقیق در باره اولین اربعین حضرت سید الشهداء (ع)» تالیف علامه محقق سید محمد علی قاضی طباطبایی شهید محراب مصلاهی جمعه تبریز. این کتاب افزون بر هشتصد صفحه است که با مراجعه و بررسی بیش از پانصد و هفتاد کتاب به نگارش درآمده است. در تکمیل نوشتار حاضر از این کتاب نفیس استفاده بسیاری شده است. (جزاه الله خیرا) همچنین بسیاری از ادبا و علما موضوع اربعین و ورود اهل بیت به کربلا را در قالب اشعار عربی و فارسی بازگو و ضبط کرده اند.

(ب) تصریحات و تاییدات
اما عده ای که پیش از سید بن طاووس در آثار یا مقاتل خود به مناسبت، تصریح و یا

تاییدی بر اربعین داشته اند:
 ۱- ابو مخنف - لوط بن یحیی - معاصر با
 امام حسین (ع) (۵)

۲- شیخ صدوق، (متوفای سال ۳۸۱ق.):
 «امام سجاد (ع) با اهل بیت (ع) و سرهای
 مطهر شهیدان از دمشق خارج شد و سرهای
 مقدس را در کربلا دفن کرد». (۶)
 هر چند ایشان تصریح نکرده اند که ورود اهل
 بیت (ع) در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است
 اما از آنجا که هیچ کس زمان دیگری را در
 تاریخ، برای ورود اهل بیت (ع) به کربلا به
 ثبت نرسانده است، در نتیجه ورود امام سجاد
 (ع) به همراه اهل بیت به کربلا، در روز
 اربعین سال ۶۱ ق. بوده است.

۳- اسفرائینی (متوفای ۴۰۶ق.) - از علمای
 بزرگ مذهب شافعی - در مقتل خود تصریح
 می کند که اهل بیت (ع)، بیستم صفر وارد
 کربلا شده و با جابر ملاقات کردند. او می
 گوید: «و لما وصلوا الی بعض الطریق» (و
 چون به راهی رسیدند) نمی گوید: «و لما
 وصلوا الی طریق کربلا او العراق» (و چون به
 راه کربلا یا عراق رسیدند) تا اشکال شود راه
 کربلا از بین راه مدینه نیست، بلکه از خود
 شام است. ۴- علم الهدی سید مرتضی
 (متوفای ۴۳۶ق.) می نویسد: «ان راس
 الحسین (ع) اعید الی بدنه فی کربلا»
 (۷) یعنی: همانا سر مطهر امام حسین (ع) در
 کربلا به پیکر مقدس آن حضرت، عودت داده
 شد.

۵- ابو ریحان بیرونی، محقق و ریاضیدان
 شهیر (متوفای ۴۴۰ق.) در کتاب نفیس خود
 «الآثار الباقیة» چنین می گوید:
 «و فی العشرین رد راس الحسین (ع) الی
 جثته حتی دفن مع جثته و فیه زیارة الاربعین
 و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام» (۸)
 یعنی: سر مقدس امام حسین (ع) در بیستم
 صفر به جسد مطهر امام برگردانده و با
 پیکرش دفن گردید. زیارت اربعین در
 خصوص این روز است. اهل بیت (ع) نیز بعد
 از مراجعت از شام این روز را حرمت نهادند.
 پس ایشان تصریح می کند که ورود اهل بیت
 (ع) به کربلا پس از بازگشت از سفر شام بود
 نه قبل از رفتن به شام که مرحوم شعرانی
 ترجیح می دهد.

۶- شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق.) علت سنت
 شدن زیارت امام حسین (ع) در اربعین را تنها
 انجام مراسم تدفین سرهای مطهر امام (ع) و
 سایر شهدا در کربلا می داند. (۹)
 البته سید بن طاووس، می گوید شیخ طوسی
 معتقد است امام سجاد (ع) با اهل بیت (ع) در
 روز اربعین (بیستم صفر) وارد مدینه شدند (نه
 کربلا) و سید بن طاووس این نظر را بعید می
 شمرد از این جهت که چگونه ممکن است در
 مدت ۴۰ روز به مدینه برسند؟ (۱۰)
 ۷- شیخ فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ق.) می
 گوید: «خرج علی بن الحسین (ع) بالنسوة و
 رد راس الحسین (ع) الی کربلا» (۱۱)
 یعنی: امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع)،
 سر امام حسین (ع) را به کربلا بازگرداند.

۸ - عماد الدین طبری آملی (متوفای اوایل قرن ششم). (۱۲) ۹ - شیخ شهید طبرسی در سال ۵۰۸ ق. (۱۳)

۱۰ - ابن شهر آشوب (متوفای سال ۵۸۸ ق.) در مناقب اعاده سر مطهر به بدن را ذکر کرده است. (۱۴)

۱۱ - علامه شهیر و مورخ کبیر، سبط ابن الجوزی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفای سال ۶۵۴ ق.) چنین می گوید: «الاشهر انه رد الی کربلا فدفن مع الجسد». (۱۵) یعنی: بنا بر نظر مشهورتر، سر امام حسین (ع) به کربلا بازگردانده و با پیکرش دفن گردید.

۱۲ - سید بن طاووس - علی بن موسی بن جعفر - (متوفای ۶۶۸ ق.)، در کتاب لهوف، رجوع اهل بیت (ع) به کربلا و همچنین دفن سر مطهر در کربلا را نقل کرده، و در کتاب اقبال، (۱۶) لحوق سر مطهر به بدن در روز بیستم صفر را پذیرفته، گر چه در باره آورنده سر مطهر و کیفیت دفن آن سکوت کرده است.

۱۳ - شیخ فقیه ابن نما حلی - جعفر بن محمد بن جعفر - (متوفای اواخر قرن هفتم) نسبت به ورود اهل بیت (ع) به کربلا و ملاقاتشان با جابر تصریح نموده است. (۱۷) شایان توجه است که شیخ اجازه (۱۸) ما مرحوم آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه» (۱۹) تاریخ وفات ابن نما

مؤلف کتاب «مثیر الاحزان» را سال ۶۴۵ ثبت نمودند، در صورتی که این سال، سال تاریخ فوت پدر ایشان فقیه نامی محمد بن جعفر بن نما استاد سید بن طاووس و محقق حلی است.

۱۴ - مورخ معروف «خواند میر» (متوفای ۹۴۲ ق.)، اربعین را اصح روایات در دفن سر مطهر دانسته، و می گوید: «امام چهارم با خواهران و... در بیستم شهر صفر، سر امام حسین (ع) و سایر شهیدان کربلا (رضی الله عنهم) را به بدنهای ایشان منضم ساخت». (۲۰)

۱۵ - الشبرای، عبد الله بن محمد، شیخ جامع ازهر قاهره، صاحب کتاب «الاتحاف بحب الاشراف» (متوفای ۱۱۷۲ ق.) نقل می کند: «بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد» (۲۱).

۱۶ - زکریا بن محمد قزوینی (متوفای ۱۳۰۵ ق.) در کتاب عجائب المخلوقات چنین می گوید: «الیوم الاول منه عید بنی امیه ادخلت فیه راس الحسین (رضی الله عنه) بدمشق و العشرون منه رد راس الحسین الی جثته». یعنی: اولین روز ماه صفر، عید بنی امیه بود، سر مقدس امام حسین (ع) در این روز وارد دمشق شد و در روز بیستم همین ماه، سر مبارک امام، به بدن مطهرش بازگردانده شد. ۱۷ - علامه جلیل القدر سید محسن امین عاملی در «لواعج الاشجان» به نقل از بشاره المصطفی، و در «اعیان الشیعه

« می گوید: «ورود اهل بیت به کربلا مشهور است.»

(۲۲) ۱۸ - عالم شریف سید عبد الرزاق مقرر در «مقتل الحسین (ع)» چنین می گوید: «اهل بیت (ع) در کربلا با جابر ملاقات کردند». (۲۳)

و نیز می گوید: «امام سجاد (ع) سر مطهر پدر و سایر شهدا را در کربلا ملحق به بدنها کرد». (۲۴)

۱۹ - ابن حجر مکی، احمد بن محمد، (متوفای سال ۹۳۷ق.) صاحب کتاب «الصواعق المحرقة» و شرح قصیده همزیه بوصیری می گوید: «بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد». (۲۵)

۲۰ - سید جلیل زبده الفقهاء فاضل قزوینی، رضی بن نبی، (متوفای سال ۱۱۱۸ق.) در کتاب نفیس «تظلم الزهرا» عین عبارت سید بن طاووس در کتاب اقبال را نقل می کند و به طور جدی و صریح گفته سید را پاسخ می دهد: «اقول: غایه ما قال (ره) - بعد تسلیمه - محض استبعاد و لا ینبغی بمحضه انکار الروایات فانا سمعنا من الموثقین قرب کوفه من دمشق بما قد تیسر للبرید ان یتسیر بثلاثه ایام و لا سیما للولاء و الحکام بالجور و سیما مثل هذا الخبر المشوم الذی هو عید للشامیین و مدۀ مقامهم فی دمشق - علی ما فی المنتخب - لا یعلم کونها زائده علی ثمانیه ایام تقریبا و لم نظفر علی روایه دلت علی

مقامهم فیها مدۀ شهر. والله یعلم. و ایضا قد یذهب الحمام بالمکاتب باسرع من ذلک». یعنی: به عقیده من، سید - بعد از پذیرش جریان اربعین - بعدها صرفا آن را بعید دانسته است و سزاوار نیست با استبعاد صرف او روایات تاریخی را انکار نمود؛ زیرا ما از برخی از اشخاص مورد اطمینان شنیده ایم که کوفه به دمشق نزدیک بوده به گونه ای که یک پیک می توانست سه روزه بخصوص برای کسب تکلیف والیان و حکام جور بویژه مثل خبر شوم کربلا را که برای اهل شام عید به شمار می رفت به آنها برساند. اما مدت اقامت اهل بیت (ع) در شام - بنا بر آنچه در المنتخب آمده - تقریبا بیش از هشت روز نبوده است و ما به نقل دیگری که بر اقامت آنان در شام به اندازه یک ماه دلالت کند دست نیافتیم - خدا عالم است - به اضافه چه بسا گاه کبوتر نامه بر زودتر از پیک زمینی پیغام برساند. همچنین عده دیگری از مشاهیر علمای شیعه و سنی قائل به اربعین هستند که برای اطلاع بیشتر می توان به مقتل مقرر و تحقیق اربعین مراجعه نمود.

منبع :

مجله رواق اندیشه ، شماره ۱ ، فاضل ، محمد

اهمیت زیارت امام حسین (ع) در کربلا در روایات و احادیث



حسرت در روز قیامت

خیر خواهی خداوند

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ زَارَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع لَمَّا يَرَى لِمَا يُصْنَعُ بِزُورِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ كَرَامَتِهِمْ عَلَى اللَّهِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ

از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ کس نیست در روز قیامت مگر اینکه آرزو می کند ای کاش امام حسین علیه السلام را زیارت کرده بودم آن هنگامیکه می بیند که با زوار امام حسین علیه السلام چه می کنند، چقدر نزد خداوند مورد کرامت واقع می شوند. (وسائل الشیعه/ ج ۱۴/ ص ۴۲۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه السلام و حب زیارتش را در قلب او می اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می اندازد. (وسائل الشیعه/ ج ۱۴/ ص ۴۹۶)

زیارت خداوند

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا ع قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس اباعبدالله علیه السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (تهذیب الأحکام ج ۶ ص : ۴۶)

زیارتی بهتر از حج

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ وَ اللَّهُ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ أَحَدٌ وَيَحْكُ مَا عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اتَّخَذَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا أَمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجَّ الْبَيْتِ وَ لَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْأَحْرَامَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ

از امام صادق علیه السلام روایت شده: بخدا قسم، اگر در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با شما سخن می‌گفتم، قطعاً حج را

بطور کلی رها می‌کردید، و هیچکدام از شما حج نمی‌رفت، مگر نمی‌دانی که خداوند سبحان قبل از اینکه مکه را حرم خود بگیرد، کربلا را حرم امن و مبارک خود گرفت، ابن ابی یعفور عرضه داشت؛ خداوند حج بیت الله را بر مردم واجب نمود در حالیکه ذکر از زیارت امام حسین علیه السلام نیاورد، حضرت فرمودند: اگر چه این گونه است، چرا که این چیزی است که خداوند آن را چنین قرار داده است، آیا نشنیده ای کلام امیرالمومنین علیه السلام را که: همانا کف پا (باطن قدم) سزاوارتر به مسح کشیدن نسبت به روی پا می‌باشد، لیکن خداوند مسح ظاهر پا را بر بندگان واجب نموده است، آیا نمی‌دانی که احرام بستن اگر در حرم بود، بهتر می‌بود، لیکن خداوند احرام بستن را در غیر حرم مفروض نمود. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۱۴)

کمترین ثواب زائر کربلا

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

-امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: کمترین آنچه از ثواب که به زائر اباعبدالله علیه السلام کنار نهر فرات داده می‌شود آنگاه که حق و حرمت و ولایت او را بشناسد،

این است که آنچه از گناهان پیش فرستاده و بعداً می فرستد (گناهان گذشته و آینده او) آمرزیده می شود. (الکافی / ج ۴ / ص ۵۸۲)

قیامت می باشد کسانی که آتش دوزخ بر ایشان واجب شده است و کسانی که در دنیا از مسرفین بودند. (مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۲۵۳)

برکت در روزی و طول عمر

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَرُّوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ فَإِنَّ إِتْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَإِتْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ

رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَ أَنَّهُ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

-از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده: نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز و زیارت اربعین و انگشتر به دست راست نمودن و سر به خاک گذاشتن حین نماز و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم. (تهذیب الاحکام / ج ۶ / ص ۵۲)

-امام باقر علیه السلام فرمودند: شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه السلام امر کنید، چرا که زیارتش روزی را افزون می کند و عمر را طولانی می گرداند و بلاها و بدیها را دفع می کند و زیارت کردن امام حسین علیه السلام بر هر مومنی که اقرار به امامت او از جانب خدا داشته باشد، واجب است. (تهذیب الاحکام / ج ۶ / ص ۴۲)

۱۸- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ لَيْلَةً مِنْ ثَلَاثٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قُلْتُ أَىُّ اللَّيَالِي جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ لَيْلَةُ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةُ الْأَضْحَى وَ لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

-امام صادق علیه السلام: هر کس در شبی از سه شب قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد عرض کردم فدایتان بشوم کدام شبها فرمودند: شب عید فطر و شب عید قربان و شب نیمه شعبان. (تهذیب الاحکام / ج ۶ / ص ۴۹)

عَنْ سَيْفِ التَّمَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عَ مُشَفَّعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمِائَةِ رَجُلٍ كُلُّهُمْ قَدْ وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ مِمَّنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ

سیف تمار از امام صادق علیه السلام نقل فرمودند: شنیدم که ایشان می فرمودند: زائر امام حسین علیه السلام شفیع صد نفر در روز



شبها تاریخی

اربعین

چرا در مورد اربعین حسینی اختلاف زیادی وجود دارد؟

برخی اربعین را قبول دارند، برخی در زمان آن اختلاف دارند و برخی دیگر اصل آن را انکار می کنند؛ برخی از احادیث به اربعین و ارزش آن اشاره دارد و حتی زیارتی به این عنوان نیز روایت شده است این اختلافات چگونه قابل توجیه است؟

پاسخ:

اینکه برخی اصل اربعین را انکار کنند؛ این نظریه قابل قبول نیست، عمده اختلافی که وجود دارد، این است که اهل بیت علیهم السلام، در اربعین سال ۶۱ یعنی بیستم ماه صفر، در کربلا بودند، و یا در اربعین سال ۶۲؟ اقوال متعددی وجود دارد که این اقوال را بررسی کرده و به اختصار نقل می کنیم:

۱. اهل بیت علیهم السلام در همان سال ۶۱ و بعد از مراجعت از شام، روز بیستم صفر به کربلا وارد شدند. این قول تاریخ حبیب السیر، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، اللهوف سید بن طاووس و مثیر الاحزان ابن نما و نیز بعضی دیگر از بزرگان است.

۲. اهل بیت علیهم السلام قبل از رفتن به شام، روز بیستم صفر از کربلا عبور کرده اند؛ که قول صاحب ناسخ التواریخ است و احتمال بعیدی به نظر می رسد.

۳. اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۲، یعنی یک سال بعد، در روز بیستم صفر به کربلا آمده اند.

در قمر مقام زخام می خوانیم که ورود اهل بیت علیهم السلام در اربعین سال ۶۱ مشکل، بلکه خلاف عقل است؛ زیرا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به شهادت رسید و عمر سعد برای دفن کشتگان خود در آنجا توقف و روز یازدهم به کوفه حرکت کرد. چند روز هم در کوفه معطل ماندند. سپس از یزید دستور رسید که اهل حرم را به دمشق اعزام دارد؛ که عیدالله از راه حران و جزیره و حلب کاروان را به شام فرستاد که مسافت دوری است. به روایتی تا شش ماه اهل بیت علیهم السلام را نگهداشتند تا آتش غضب یزید خاموش شد. بعد از مطمئن شدن از عدم شورش مردم، یزید موافقت کرد که امام سجاد علیه السلام به مدینه بازگردد و این

همه وقایع نمی تواند در چهل روز صورت گرفته باشد. پس قطعا سال ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا، در سال ۶۲ بوده است. [۱]

لکن از این مقدمات نمی توان نتیجه گرفت که اهل بیت علیهم السلام، در سال ۶۲ به کربلا آمده اند؛ زیرا نگهداشتن اهل بیت علیهم السلام در کوفه به مدت زیاد، قطعی نیست. با توجه به اینکه عده زیادی ورود اهل بیت علیهم السلام را در روز اول صفر ذکر کرده اند. مضافا بر اینکه مرحوم شهید قاضی طباطبایی (ره) در کتاب خود [۲] تمام ایرادات مبنی بر آمدن اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۱ را پاسخ داده است. بنابراین به صرف استبعاد نمی توان به نتیجه قطعی رسید و آمدن اهل بیت علیهم السلام را به کربلا در اربعین اول انکار کرد.

۴. اهل بیت علیهم السلام ابتدا به مدینه رفته و از مدینه عازم کربلا شدند و سر مقدس امام را نیز در این سفر با خود داشتند؛ اما نه در اربعین سال ۶۱، بلکه پس از مراجعت به مدینه، عازم کربلا شدند. ابن جوزی از هشام و بعضی دیگر نقل کرده است که: سر مقدس امام حسین علیه السلام با اسیران به مدینه آورده شد و سپس به کربلا حمل گردیده و به بدن امام ملحق شده است. [۳] ولی در این نقل نیامده است که سر مقدس امام توسط چه کسی به کربلا حمل شده و آیا اهل بیت علیهم السلام همراه سر مقدس به کربلا آمده اند یا تنها سرها به کربلا فرستاده شده و به بدنها ملحق شده است.

برخی هم گفته اند که امکان دارد اهل بیت علیهم السلام اول به مدینه رفته و بعد به کربلا آمده باشند، ولی نه در روز بیستم صفر، که اربعین باشد؛ زیرا جابر بن عبدالله انصاری هم از حجاز آمده بود و رسیدن خبر به حجاز و حرکت جابر از آنجا، قهرا زمانی بیش از چهل روز را می طلبد؛ مگر اینکه بگوییم جابر از مدینه نیامده و از کوفه و یا شهر دیگری عازم کربلا شده بود. [۴] که این قول با تصریح بزرگانی چون ابن طاووس، ابن نما، شیخ بهائی و عده دیگری که آمدن جابر را در روز اربعین و بیستم صفر می دانند، منافات دارد.

قول بهتر آن است که اهل بیت علیهم السلام در همان سال ۶۱ پس از مراجعت از شام و روز بیستم صفر به کربلا وارد شدند. [۵]

آیا واقعا اهل بیت در سال ۶۱ هجری به کربلا آمده اند؟

ما بجز کتاب مرحوم شهید قاضی طباطبایی رضی الله عنه، اثر دیگری که پیرامون اربعین حسینی مستقلا نگارش شده و تفصیلا جوانب آن را بررسی کند، نیافتیم و لذا با توجه به دلائل مستند و متعدد آن شهید بزرگوار، کتاب ایشان را مبنای بررسی اربعین قرار دادیم.

شهید قاضی طباطبایی رضی الله عنه در کتاب خود که پیرامون اربعین نگاشته است، مفصلا اشکالاتی را که پیرامون این موضوع - آمدن اهل بیت علیهم السلام در بیستم ماه صفر سال ۶۱ هجری - مطرح شده را پاسخ گفته اند؛ به عنوان نمونه ثابت می کنند قولی که اهل بیت علیهم السلام یک ماه در شام

مانده باشند و بعد راهی کربلا شده باشند، -
آنطور که برخی بر این گمانند - مدرکی ندارد
و صحیح نیست؛ چرا که نه ناقل آن و نه
روایت آن مشخص نیستند و سید ابن طاووس
رضی الله عنه در اقبال آن را فقط نقل کرده،
منتها نه به طور مشخص، بلکه به شکل
احتمال بیان شده و لذا قابل استناد و اعتماد
نیست. [۶]

عمده دلیلی که برای نفی اربعین در سال ۶۱
ذکر می کنند، همین مسأله است. به نظر
آقای قاضی رضی الله عنه شواهدی بر طول
کشیدن راه طی شده از شام به عراق نداریم و
بلکه خلاف این ادعا ثابت است. ایشان در
کتاب خود ثابت می کنند که در ظرف یک
هفته از شام به عراق و کوفه می آمدند و
قاصد در مدت یک هفته از عراق به مدینه و
بالعکس طی مسیر می کرده است؛ که نمونه
آن شواهد را بعضا نقل می کنیم:

ا: روایت هارون الرشید عباسی که هلال ماه
ذی الحجه را در عراق می دید و خود را
جهت انجام اعمال حج به مکه می رساند. [۷]
ب: روایتی که شیخ مفید رضی الله عنه نقل
کرده مبنی بر اینکه خیران اسباطی به خدمت
امام هادی علیه السلام آمد. خود به امام می
گوید که فاصله ی آمدن من از عراق به
مدینه، ده روز بوده است. [۸]

ج: روایتی که آمدن مالک اشتر از مدینه به
کوفه را ذکر کرده است؛ که در کمتر از مدت
ده روز صورت گرفته است. [۹]

د: روایتی از یحیی بن هرثمه نقل شده است
که می گوید: میان ما و عراق ده روز فاصله
است. [۱۰]

و: روایتی که جنگ دوران ابوبکر با رومیان را
نقل می کند؛ که خالد بن ولید با آنهمه لشکر،
در ظرف هشت روز خود را به مسلمین در
جبهه ی جنگ با روم رسانید. [۱۱]

ه: در قره العین نقل است که مروان، عامر بن
ربیع را با صد هزار نفر از شام، برای جنگ با
مختار حرکت داد و عامر و لشکریانش در
مدت ده روز به کوفه رسیدند. [۱۲]

ر: جریان رسیدن خبر مرگ معاویه بن
ابوسفیان به میثم تمار در روز جمعه در شط
فرات؛ که گفته شده روز جمعه گذشته یعنی
هشت روز قبل، این واقعه رخ داده و معلوم
است که قاصد این خبر، از مدینه به عراق و
کوفه می آمده است. [۱۳]

موارد فوق اندک روایاتی بود که در اثبات
آمدن اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا
در مدت ده روز یا کمتر صورت گرفته و این
قول که بیستم ماه صفر در کربلا بوده اند و
این واقعه در همان سال ۶۱ رخ داده است،
ثابت می شود.

چرا برخی اشاره ای به اربعین نکرده اند؟
برخی از مورخین اشاره ای به اربعین اول
نکرده اند: برخی مورخین در مقاتل اشاره به
قصه آمدن اسراء به کربلا در اربعین اول
نکرده اند، از جمله شیخ مفید رضی الله عنه.
چرا؟

پاسخ:

اولا: واضح است که اگر کسی مطلبی را نقل نکرد، دلیل بر عدم وقوع آن نیست.

ثانیا: و نیز اگر نقل نکرده اند، دلیل بر انکار اربعین در سال ۶۱ نیست. [۱۴]

آیا جابر بن عبدالله انصاری اهل بیت را درک نموده است؟

جابر بن عبدالله انصاری اهل بیت را در آن روز درک نکرده است. اینکه بنابر نقل کتاب «بشارة المصطفی» از عماد الدین ابوالقاسم طبریزی، جابر بن عبدالله انصاری اهل بیت علیهم السلام را در آن روز درک نکرده است.

پاسخ: نسخه آن کتاب که از بشارة المصطفی این قول نقل شده است، ناقص بوده و مورد اعتماد نیست. دیگر آنکه، بسیاری از مقاتل آن را ذکر کرده اند و از مشهورات واقعه کربلاست و با نقل یک مقتل، نمی توان آن را رد نمود. [۱۵]

عبور اهل بیت از کدام مسیر بوده است؟

برخی معتقدند، عبور اهل بیت از کوفه به شام، از راه سلطانی بوده است؛ یعنی آنان از راه تکریت، موصل، نصیبین و حلب رد شده اند؛ لذا مدت بسیاری طول می کشیده تا به شام برسند.

پاسخ: این قول نیز مورد قبول و اعتنا نیست؛ چرا که بر خلاف بسیاری از نقل های دیگر است که در مقاتل و اسناد تاریخی آمده است. [۱۶]

چرا جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر شمرده شده است؟

با وجود منزلت امام سجاد علیه السلام، چرا جابر اولین زائر اربعین شمرده شده است؟ اگر جابر و امام سجاد علیه السلام در یک زمان به کربلا رسیده اند، پس چرا جابر اولین زائر شمرده شده است در حالیکه امام سجاد علیه السلام منزلتی بیش از او دارد؟

پاسخ: ممکن است جابر قبل از آمدن اهل بیت علیهم السلام و کاروان اسرا به زیارت رفته باشد و بعد از زیارت او و همراهانش - غلامش و عطیه - کاروان رسیده باشد. [۱۷]

چرا یزید اجازه رفتن اهل بیت به کربلا را نداد؟

چرا یزید اجازه نمی داد کاروان اسرا به راحتی به کربلا بروند و در رفتن به مدینه تأخیر داشته باشند؟

پاسخ: یزید، نعمان را مأمور رساندن اهل بیت علیهم السلام کرد و برای جلوگیری از رسوایی بیشتر خود، گفته بود که ملاحظه ی آنان را بکند و به درخواست های آنان پاسخ دهد و از اذیت و آزار آنها خودداری نماید و این نقل معروف و مشهور مورخین است. [۱۸]

ب. گریه و سوگواری برای امام حسین (ع) [۱۹]

سوال: برخی شبهه افکنان می گویند اگر امام حسین علیه السلام روز عاشورا پیروز شد چرا آن روز را جشن نمی گیریم؟ چرا عزاداری می کنیم؟ چرا گریه می کنیم؟ آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ برای چیست؟

پاسخ:

گریه زبان صادق و طبیعی شوق و اندوه و درد و عشق یک انسان است. گریه تجلی طبیعی یک احساس و حالتی جبری و فطری از یک رنج، یک شوق یا یک اندوه می باشد یکی از دانشمندان غرب می گوید: «انسانی که هرگز نمی گیرد و گریستن را نمی داند احساس انسانی را فاقد است». مگر نه اشک زیباترین شعر و بی تاب ترین محبت و پر گدازترین ایمان و تب دار ترین احساس و خالصترین «گفتن» و لطیف ترین «دوست داشتن» است که همه در کوره دل به هم آمیخته و ذوب شده و قطره ای گرم شده اند به نام اشک؟ مگر نه قلب، قالب اشک است و اشک در قلب شکل می گیرد ولذا اشک شبیه قلب است:

ای بسا قلبهای سوزانی/ که زبان راز آن نگوید باز
لیک آن دیدگان نورانی/ راز دل داده می کند ابراز
گریه ترجمان دل است مثلا کسی که عذار است و مرگ عزیزی قلبش را می سوزاند، باید گریه کند. وقتی که دلش یاد از او می کند و زبانش سخن از او می گوید چشمش نیز با او همدردی می کند مگر چشم از زبان صادقانه تر سخن نمی گوید؟!

از من پرس کاتش دل درچه غایت است/ از آب دیده پرس که او ترجمان ماست
اشک چشم نشانه رقت قلب است کسی که از صحنه دلخراش منقلب نمی شود تا اشک تأثر بریزد و نیز از حقیقت و جلوه زیبائی لذت نمی برد تا اشک شوق جاری گرداند از قلب سلیم و روح متعادل برخوردار نیست.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «خداوند متعال افرادی را که به هنگام استماع قرآن تحت تأثیر قرار نمی گیرند و از شنیدن آیات مربوط به قیامت تعجب نمی کنند، و خنده می نمایند، مورد سرزنش قرار می دهد و می فرماید: (تضحکون و لا تبکون) و نیز فرموده: (بکاء العیون و خشیه القلوب من رحمۃ الله تعالی)» [۲۰] چنانکه «جمود عین» و محروم بودن از اشک و گریه از خوف خدا نشانه قساوت قلب و شقاوت معرفی شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من علامات الشقاء: جمود العین، قسوه القلب...» [۲۱] در مقابل، آن دسته از مومنانی که بصیرتی روشن قلبی رؤوف و احساسی پاک و شفاف دارند در زبان قرآن کریم با جمله (بیکون و یزیدهم خشوعا) و (سجداً و بکیاً) مورد ستایش قرار گرفته اند. قهرا این نوع افراد در برابر عظمت مردان خدا اشک شوق و به خاطر مظلومیت آنان هم اشک غم و اندوه از چشم خود جاری می کنند.

نام حسین (علیه السلام) با گریه همراه است

آن گونه که از متون اسلامی استفاده می شود نام حسین (علیه السلام) با گریه و ناله آمیخته است و قبل از شهادتش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) و مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر او گریسته اند. طبق روایات فراوانی، چون حضرت حسین (علیه السلام) تولد یافت

جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و خبر شهادت آن نوزاد را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پدر و مادرش داد و آنان از همان ایام برای حسین (علیه السلام) گریستند. طبق روایتی که از عایشه نقل شده است حسین (علیه السلام) کودک خردسال بود که وارد خدمت پیامبر گردید همان موقع جبرئیل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ابلاغ کرد: زمانی نمی گذرد که این کودک را افرادی از امت تو در سرزمین «طف» از خاک عراق به قتل می رسانند **«فبکی رسول الله (صلی الله علیه و آله)»**

اما جبرئیل افزود: **«لا تبک، فسوف ینقم الله منهنم، بقائمکم اهل البیت»** [۲۲] «گریه نکن در آینده خداوند به وسیله قائم اهل بیت از آنها انتقام می گیرد».

«ابن عباس» می گوید به هنگام رفتن به «صفین» من همراه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بودم چون در کنار شط فرات به «نینوا» وارد شد، امام (علیه السلام) با صدای بلند گریست و فرمود: ای پسر عباس این محل را می شناسی؟ گفتم: نمی شناسم ای امیرمؤمنان. فرمود اگر اینجا را مثل من می شناختی هرگز از اینجا رد نمی شدی مگر این که مثل من گریه سر می دادی ابن عباس گفت: **«فبکی طویلا حتی اخضلت لحيته و سألت الدموع علی صدره و بکینا معا»**: «آن حضرت گریه مفصلی کرد به طوری که اشک از روی محاسن او جاری شد ما هم همصدا با علی (علیه السلام) گریه سر

دادیم». بعد امام ادامه داد: وای، من با آل ابوسفیان چه کرده ام، سپس افزود: در این سرزمین که (کرب و بلا نامیده می شود) هفده نفر از فرزندان من و فاطمه به شهادت می رسند و مدفون می گردند. [۲۳]

طبق روایت امام صادق (علیه السلام) روزی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و آن حضرت را گریان دید از علت گریه اش پرسید؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که حسین (علیه السلام) را گروهی از امت من به قتل می رسانند! فاطمه (علیه السلام) نیز از شنیدن این خبر به شدت گریست ولی وقتی از مقام بلند فرزندش به خاطر شهادت آگاه گردید آرامش و تسکین یافت. [۲۴] داستان گریه و عزاداری پس از شهادت آن حضرت از سوی امامان (علیه السلام) داستانی مفصلی است که به ذکر چند مورد اکتفا می کنیم:

امام سجاد (علیه السلام) که خود در کربلا شاهد مصائب دلخراش امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش بود پس از واقعه عاشورا تا زمانی که در قید حیات بود این واقعه سوزناک را فراموش نکرد و همیشه گریه و سوگواری نمود او هر وقت می خواست آب بنوشد تا چشمش به آب می افتاد اشک از چشمانش سرازیر می شد وقتی علت این کار را می پرسیدند می فرمود چگونه گریه نکنم درحالی که یزیدیان آب را برای وحوش و درندگان آزاد گذاشتند ولی آن را به روی پدرم بستند و او را با لب تشنه کشتند.



می فرماید هر وقت کشته شدن فرزندان فاطمه (علیه السلام) رابه یاد می آورم گریه گلویم را می گیرد. وقتی هم افرادی وی را دلداری می دادند، می فرمود: «کیف لا ابکی؟ و قد منع ابي من الماء الذي كان مطلقا للسباع والوحوش» [۲۵]

امام سجاد (علیه السلام) در عزای پدر مظلوم خویش به حدی گریست که او را یکی از بگائون پنج گانه تاریخ لقب دادند. [۲۶] وقتی راز آن همه گریه را از آن حضرت می پرسیدند، مصائب جانگداز کربلا را بازگو می کرد و می فرمود: مرا ملامت نکنید، یعقوب، پس از آن که یک فرزند خود را از دست داد آنقدر گریست تا از غصه چشمهایش سفید شد در حالی که یقین به مرگ فرزندش نداشت.

از فراق روی یک یوسف اگر یعقوب سوخت هجر هفتاد و دو یوسف کرده خونین دل مرا در حالی که من به چشم خود دیدم که در یک نیمروز چهارده نفر از اهل بیت مرا سر بریدند انتظار دارید داغ آنها از دلم بیرون برود؟! [۲۷] او نه تنها در ماتم پدر بزرگوارش اشک می ریخت بلکه مومنان را نیز ترغیب به گریستن در عزای آن مظلوم می کرد:

«ایما مومن دمعت عیناه لقتل الحسین حتی تسيل علی خده بواه الله بها فی الجنة عرفا یسکنها احقبا» [۲۸] «هر مؤمنی که بر شهادت حسین (علیه السلام) آن قدر بگرید که اشک بر گونه اش جاری شود خداوند برای او غرفه هائی در بهشت

آماده می سازد که تا ابد در آن اقامت خواهد کرد.»

امام باقر (علیه السلام) برای امام حسین (علیه السلام) اشک می ریخت و به هر کس هم در خانه او بود دستور می داد گریه کند. و در منزل آن حضرت مجلس عزا و سوگواری برای امام حسین (علیه السلام) تشکیل می گردید و حاضران مصیبت آن حضرت را به هم تسلیت می گفتند. [۲۹]

پی نوشت ها

- [۱] مقام زخام، ص ۵۸۶.
- [۲] قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام، ص ۱۵۱.
- [۳] ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۵۰.
- [۴] مقام زخام، ص ۵۸۶.
- [۵] قصه کربلا، ص ۵۲۷.
- [۶] تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۴۵.
- [۷] همان، ص ۴۵.
- [۸] شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۵.
- [۹] تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۵۰.
- [۱۰] الخرائج و الجرائح، ص ۲۰۹؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۵۴.
- [۱۱] تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۱۱۲؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۵۷.
- [۱۲] قره العین، ص ۱۲۷؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۳۸.
- [۱۳] تنقیح المقال ج ۳، ص ۲۶۲؛ به نقل از منبع پیشین، ص ۳۵.
- [۱۴] تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء علیه السلام، ص ۱۵۳.
- [۱۵] همان، ص ۱۸۱.
- [۱۶] همان، ص ۲۲۱.
- [۱۷] همان، ص ۲۷۵.
- [۱۸] همان، ص ۲۷۷.
- [۱۹] سایت پرسمان دانشجویی
- [۲۰] ارشاد القلوب، ص ۱۲۸.
- [۲۱] بحار الانوار، ج ۹۰ ص ۳۳۶.
- [۲۲] ارشاد القلوب، ص ۱۲۸.
- [۲۳] بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۲۵۳، ۲۵۲.
- [۲۴] کامل زیارات، ص ۵۷۰.
- [۲۵] مناقب، ج ۳، ص ۳۰۳ بحار الانوار؛ ج ۴۶، ص ۱۰۹.
- [۲۶] دیگران عبارتند از: آدم، حضرت نوح، یعقوب و حضرت فاطمه زهرا الخصال: ص ۸۳.
- [۲۷] امالی صدوق، مجلسی، ۲۹، ص ۱۲۱.
- [۲۸] ثواب الأعمال، ص ۸۳.
- [۲۹] وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۹۸.